



پلدختر

در مسیر شمال به جنوب کشور و در انتهای تریب ن منطقه لرستان، هم‌مرز با استان خوزستان، پهنای است که «پلدختر» می‌خوانندش و ازسال‌های پیش به واسطه سیل و معروه و بیش از هر زمان دیگری پر سرزبان‌ها افتاده است، اما برای آنجا که در چهل سال گذشته باثبات و چنگک بیگانه نبوده‌اند، این نام (پلدختر) به ویژه «تنگ فنی» آن، نامی آشناست. چندکیلومتر از شهر که گذردی، در مسافت‌های مسیر رسیدن به سکوت جاده‌ها و در دل صخره‌های داغ و نقشه‌ده پلدختر، صدای سوت بلند نوربین‌هایی به گوش می‌رسد که گویای مأموریت‌های این منطقه را طاق فرستار می‌کنند. تاسیساتی عظیم محاصره در صخره‌های بزرگ و کوچک و چند روستای نزدیک به هم با خانه‌های گاهگلی که از تپه مشرف به مخازن نفتی، به زحمت دیده می‌شوند.



گاهگلی که از تپه مشرف به مخازن نفتی، به زحمت دیده می‌شوند.

قدمگاه

در نگاه اول، تنگ فنی شبیه به همه مراکز انتقال نفتی است که تاکنون دیده ایم. تاسیساتی با چندین مخزن و توربین با وظیفه‌ای که همانا انتقال نفت خام و فرآورده‌های نفتی از جنوب به شمال کشور است، اما تاریخ در جغرافیای این خطه از استان لرستان به گونه‌ای دیگر رقم خورده و نام تنگ فنی را با جنگ و شهادت گره زده است. در خمیارها همچنان پر دیوارهای این عمارت پر رمز و راز نفتی هویداست، گویی با جای این مرکز، صدای تپه و ناله نوربین مویه می‌کنند. تصور ۵۲ بار که بر بستر بی‌جان فرزندانشان مویه می‌کنند. تصور ۵۲ بار حمله هوایی و بی‌ارن گلوله و خمپاره به سر کارکنان این مرکز و خاتموادهاشان، شاید کمی دور از ذهن باشد، اما اینجا تنگ فنی است و قدم به قدم آن در خون شهیدانی است که در جنگی نابرابر ختشان را بر سر صنعت انتقال نفت ایران کرده‌اند تا جرح‌های عظیم این صنعت از گردن بپاز نمانند. اینجا تنگ فنی است، قدمگاه ۲۲ شهید از گام‌مند تا کارگر، از زن تا کودک شیرخوار و از معلم تا هر کسی دیگر.

سوراز

با شنیدن نام سوراز نخستین چیزی که به ذهن می‌رسد، هیبت و ادوات نظامی است که برای دفاع یا تهاجم به کار کار گرفته می‌شود. اما واژه‌ها هم در مرکز انتقال نفت تنگ فنی، ماهیتشان تغییر کرده است. سوراز تنگ فنی سلاح و سنگر نباشند، اما به گواهی آنجا که پودمانه مانده‌اند و اکنون روایت می‌کنند به راستی که هم‌راز «مرازمند نام چند جوان تنگ فنی است» ۵۲ بار حمله هوایی بر بستر تخریب آن روزهای تنگ فنی و گاه تخریب این مرکز نباشد. ۶۰ درصد تاسیسات، اما بهت از آن که سورازان این مرکز هرگز اجازت ندادند، جرح‌های نوربین‌هایی است ۲۲ ساعت پس از حمله‌های مدار خارج شونده. این عملیات نامی که کار نگارهای ویژه آموزش دیده‌است و نه امکانات و لجستیک بی‌سوی هر حمله که در گوناگردن زمان خود راه بر می‌گزید، اینها همه فقط عشق است و حاصل سخنان خانی، اما به قدرت تک تک دلاوران گمنام آن روزهای تنگ فنی که با ایثار و تلاش منتقم خون برادران شهیدشان شدند.

امروز

تنگ فنی، مهم‌ترین مرکز انتقال نفت و شاهراه حیاتی صنعت انتقال نفت ایران به شمار می‌آید که در راهبردی‌ترین موقعیت انتقال نفت و فرآورده‌های نفتی جنوب به شمال کشور قرار گرفته است و این قابلیت را دارد که با بهره‌مندی از ۸ توربین فعال، ۳ خط لوله ورودی و ۶ خط لوله خروجی، روزانه حدود ۵۶۰ هزار بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی را به نقاط میانه مصرف انتقال دهد. این مرکز به نام شهیدای تنگ فنی نام‌گذاری شده و در دیوارش مزین به تصویر همان شهیدانی است که نقل بر گشتان دگر شد.

نفتسان داغ و زمستان سوزناک و ویژگی تنگ فنی است و البته در سالیان گذشته با اتمام شدن این مرکز انتقال نفت، خانه‌های سازمانی نیز خالی از سکنه شده‌اند و هم‌اکنون مشربین خانه‌های پر تعداد خانواده‌های کارکنان جای خود را به اسکوت و البته صدای برندگان پر شمار شاخه‌های درختان تاریخ داده‌اند. تنگ فنی، همیشه امام پر ایستاد و بوده و هست و نقل است در میان کارکنان شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، آنگاه که موبی سبیدر کند، فخر کل دوران خدمت خود را کارگری بای نوربین‌های تنگ فنی می‌دانند.



مرکز انتقال نفت تنگ فنی؛

موزه ای جاندار در دل سنگ‌های داغ لرستان

قدمگاه شهدای

خطوط لوله و مخابرات نفت

هادی سعادت | همیشه سکوت به معنای آرامش نیست. گاه هزار فریاد زهفته در صدای زوزه بادی است که آرام آرام به میان صخره‌های کوچک و بزرگ کوهستان می‌ریزد و گاه زمین است که با همه سکوتش غوغایی دارد به وسعت آسمان خدا، حکایت تنگ فنی، همان حکایت سکوت است و فریاد، گویی شاعران، معماران پرینده آهنگین در دل سنگ‌های داغ لرستان پیاده‌اند، از هر سو که بنگری، رازی است و قسمه‌ای و افراق نیست اگر بگویم تنگ فنی کنایه‌ای است و می‌باشد.

لرستان را به آبنارهای بلند و کوه‌های سر به فلک کشیده اش می‌شناسند، سر سبزی و طراوت این استان به گونه‌ای است که حتی در خزان برگ بریزان، از این سرزمین جدا نمی‌شود، اما «تنگ فنی» مرکز انتقال نفتی که همه جایش به رنگ است و نقشیده در زیر تیغ آفتاب، داستانی دیگر است.



همسایه و رستم همسایگی

در لرستان ضرب المثلی است که مضمونش، امضای وفاداری همسایگان را شرکت در شادی و شون می‌فاند همسایگان تنگ فنی برادری را سال‌هاست معنا و ابیات کرده‌اند. چه در ايام جنگ که بایه بای کارکنان مرکز ایستادند و شهید و مجروح تقدیم کردند و چه امروز که بزم کاری جنگ همچنان بر نشانه خدمت‌مندی می‌کند و متعلقه آن‌ها ای روزگاری می‌دانند که در غنای پیمان‌های میخان در زمان جنگ است. این رنج‌ورهای روستاهای سراب و تنگ فنی را از دهه‌های هجری در شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان نیز بیگانه نباشند و تمام توان خود به کار بست تا هر رقیب نقصان زینست محطی کند و رستم همسایگی به جای آورد، بر همین پایه است که سال‌ها آب رسانی به روستاهای همچوار تاسیسات نفتی انجام می‌دهد. این منطقه عملیاتی با نگاه به مسئولیت اجتماعی که بر خود واجب می‌داند، با هر نته کرد شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، مرکز تصفیه آب پیشرفته‌ای را در روستای سراب رجب احداث کرده است تا ساکنان این روستای فرودانده، آبی زلال و عاری از مشکل بنوشند.

در تنگ فنی هم که غرض نوربین‌هاش برای انتقال فرآورده‌های نفتی، لطف‌های قطع نمی‌شوند و برده‌هاش نیز از گردش باز نمی‌ایستند، حکایت چنین است و پیوند این مرکز انتقال نفت با همسایگی‌اش چون ریشه در خاک و خون دارد، وصف ناشدنی و ناکسبندی است. کافی است گویی به آن داشته باشی تا معنای حقیقی برادری و همسایگی را دریابی. به هر روی از ابتدای جنگ تجمعی تاکنون توسندگاران قلمسازان و روایتگران بسیاری کوشش کرده‌اند تا عظمت وجودی این مرکز انتقال نفت را به تصویر بکشند. تنگ فنی، موزه جغرافی از عظمت ایثار و شهادت هر کس که خدمت انتقال نفت ایران است. هر کلمه در وصف این مرکز در کلیه‌ایه‌های نفت و شهادت تنگ فنی ثبت می‌شود و همین تاریخ و این‌ها گنجینه‌های ایشاگران مرکز انتقال نفتی خواهند نوشت. بلند که ما نیز در ایام ایشاگران آن ایام را با عمق جان درک کنیم.

